

تعیین اهداف تغییر رفتار و روان انسان در سخنان امام علی(ع): پژوهشی با روش تحلیل محتوا

فریبرز باقری*
زهرا کیایی**
مسعود آذربایجانی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اهداف تغییر در نظریات روان‌شناسی و مقایسه این اهداف با دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه و تفاوت‌ها و تشابه‌های آنهاست. به این منظور روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی و کمی به کار گرفته شد که محصول آن، طبقات شانزده‌گانه از اهداف تغییر مورد نظر امام؛ شامل: ذکر و یادآوری، حل تعارض، تعاون و همدلی اجتماعی، غایت‌نگری، خودکنترلی، آمادگی برای تغییر، تعادل، عقل، صبر، فضایل اخلاقی، اصالت، مسئولیت‌پذیری، واقع‌بینی، یکپارچگی شخصیت، انتخاب آزادانه و خشیت است که در ترکیب با طبقات شش‌گانه روان‌درمانی؛ شامل: کاهش تنش، سازگاری با محیط، خودشکوفایی، علاقه اجتماعی، تنظیم روابط بین اعضا و منطقی بودن، نظام طبقه‌بندی تحلیل محتوای ۲۲‌گانه‌ای را به عنوان ابزار پژوهش شکل داد. اطلاعات کمی‌سازی شده توسط دو ارزیاب با استفاده از نرم افزار SPSS و محاسبه درصد فراوانی‌ها و ضریب همبستگی بین طبقات محاسبه گردید. نتایج نشان داد که اهداف تغییر مورد نظر امام ضمن دربرگیری اهداف روان‌شناسی تجربی، اهداف جدیدی چون ذکر و انتخاب آزادانه را معرفی می‌کند؛ به همراه تفاوت در اولویت‌بندی‌ها و تعریف مفاهیم که این امر برگرفته از تفاوت دیدگاه امام با روان‌شناسی تجربی در تجمیع بُعد مادی و غیر مادی وجود انسان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هدف تغییر، بهنجاری، نهج‌البلاغه، تحلیل محتوا، روان‌شناسی اسلامی

Email: bagheri1390@yahoo.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: Zahra25kiaee@yahoo.com

Email: mazarbayejani@yahoo.com

*** دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۰۳ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۸/۰۴

مقدمه

انسان‌ها موجودات پیچیده‌ای هستند که از لحاظ جسمانی، روانی، هیجانی و اجتماعی تغییر می‌کنند و تاکنون هیچ نظریه واحدی نتوانسته است تمام این جنبه‌ها را توضیح دهد (برک،^۱ ۱۳۸۳). اهداف روان‌شناسی در دو بُعد بنیادین و کاربردی شامل شناخت، پیش‌بینی و تغییر رفتار و فرآیندهای روانی انسان است (بونزه و آردیلا،^۲ ۱۹۸۷). دیدگاه‌های مربوط به اینکه چگونه افراد رشد و تغییر می‌کنند مربوط به بُعد بنیادین چون روان‌شناسی رشد است (برک، ۱۳۸۳). و حال آنکه بررسی‌های صورت گرفته درباره تغییرات انسانی چون تشخیص، تبیین و درمان آسیب‌های رفتاری و روان‌شناختی توسط بُعد کاربردی چون روان‌شناسی بالینی صورت می‌گیرد که در همین حوزه، روان‌درمانی کاربرد آگاهانه و عمدی روش‌های بالینی و مواضع میان‌فردی است که از اصول روان‌شناختی رایج به دست آمده و هدف آن کمک به افراد است تا رفتارها، شناخت‌ها، هیجان‌ها و یا سایر ویژگی‌های شخصی خود را در جهتی که مراجعان آن را مطلوب می‌دانند، تغییر دهد (پروچسکا و نورکراس،^۳ ۱۹۹۹).

سؤالی که در فلسفه روان‌شناسی و به‌طور خاص فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌درمانی مطرح می‌شود این است که تغییر به چه شکل و به کدام طرف باشد یا به عبارتی دیگر، کدامین سوی موقعیت ایده‌آل، شادی‌بخش و سعادت‌آفرین (بهنجاری) انسانی است و کدامین مسیر او را به نهایی متضاد می‌رساند و موقعیتی نامطلوب را برای او رقم می‌زند (باقری، ۱۳۹۱).

رویکردهای مختلف روان‌شناسی و هر یک از نظریات روان‌درمانی تعریف متفاوتی از وضعیت بهنجار و نابهنجار ارائه می‌کنند؛ در نتیجه به لحاظ اهداف تغییر یا به عبارتی دیگر درباره سوق دادن وضعیت درمان‌جو به آن سو که بهنجار تصور می‌شود، در عین اشتراکات، اختلافات قابل توجهی وجود دارد. فروید در عین تأکید بر فرض تغییرناپذیری شخصیت انسان در بزرگسالی (میلر،^۴ ۱۹۹۹)، فرد ایده‌آل و هدف نهایی روان‌کاوی را کاهش تنش و دستیابی به سطح کارکرد تناسلی و تثبیت در آن می‌داند (مدی، ۱۹۷۲)؛ به نقل از: پروچسکا، ۱۹۹۹). آدلر بر هدفمندی تأکید دارد و آن هدف شکوهمند را که انسان بهنجار می‌تواند به عنوان سبک زندگی مناسب داشته باشد، علاقه اجتماعی معرفی می‌کند (مدی، ۱۹۷۲)؛ به نقل از: پروچسکا، ۱۹۹۹). رفتاردرمانگرانی چون اسکینر هر نوع رویداد ذهنی و درونی را که به

1. Berk, L. E.

2. Bunge M. & Ardila R.

3. Prochaska & Norcross

4. Miller

شکل تفکر، انتخاب و غیره بیان می‌شدند، رد می‌کند (هرگنهان، ۲۰۰۹) و سالم و بیمار بودن انسان‌ها را امری خارج از حوزه اختیار آنها برمی‌شمرد و انسان سالم را انسانی می‌داند که رفتارش برای خود و دیگران مشکل‌ساز نباشد (شولتز، ۱۹۹۰؛ به نقل از: شجاعی، ۱۳۸۸) و یا به عبارتی، قدرت انطباق و سازگاری با محیط را هدف نهایی محسوب می‌نماید. رویکرد انسان‌گرایی که با نظریه پردازان صاحب‌نامی چون راجرز شناخته می‌شود، هدف نهایی تغییر انسان را خودشکوفایی در نظر می‌گیرد که به اعتقاد راجرز یک جهت است و نه یک هدف و انسان همواره در حال پیشروی و تغییر و رشدی است که نقطه ایستا و پایان‌یافته‌ای ندارد (راجرز، ۱۹۶۱؛ به نقل از: شولتز، ۱۹۹۰). تأکید بر رساندن انسان به سمت‌وسویی که خود مسئولیت رفتار خویش را بر عهده گیرد (پرلز؛ به نقل از: پروچسکا، ۱۹۹۹؛ گلسر، ۲۰۰۸) و دستیابی انسان به معنایی مناسب برای زندگی (معنادرمانی فرانکل) از جمله اهداف دیگر این دیدگاه معرفی می‌شود. در دیدگاه شناخت‌درمانی و نظریه‌پردازانی چون الیس هدف نهایی تغییر انسان لذت‌گرایی منطقی و درازمدت (پروچسکا و نورکراس، ۱۹۹۹)، و یاد دادن این امر به انسان‌هاست که تغییری فلسفی در خود به وجود آورند تا جلوی ناراحت شدن آنها به دلیل افکار بسیار نامعقول گرفته شود (شارف، ۱۳۸۱). سیستمی‌ها نیز هدف نهایی تغییر انسان‌ها را اصلاح روابط بین اعضای یک سیستم معرفی می‌کنند (نیکولز، ۱۳۸۷).

در تبیین علل این تعدد به عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری یک نظریه و افکار یک نظریه‌پرداز توجه شده است؛ از این رو، مدل فیست و گورمن^۱ (۱۹۹۸) که برای نمایش نمایی کلی و تصویری لحظه‌ای از مجموعه تأثیرات روان‌شناختی بر رفتار دانشمندان ارائه شده است، قابل توجه است که عوامل مؤثر را شامل شخصیت، فرآیندهای شناختی، تأثیرات زیستی، فرآیندهای اجتماعی و رشد معرفی می‌کند (موسوی، ۱۳۸۸). از آن جمله انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است که تبعات گسترده‌ای در فرآیند تولید علم دارد و طیف گسترده‌ای از این فرآیند، شامل روش تحقیق مورد استفاده تا فرضیه‌سازی، نظریه‌پردازی و رفتار دانشمند را دربر می‌گیرد (باقری، ۱۳۹۱).

به‌واقع، علمی مثل روان‌شناسی در خلأ تحول نمی‌یابد، و فقط در معرض تأثیرات درونی قرار ندارد. روان‌شناسی بخشی از فرهنگ بزرگ‌تر است و بنابراین، در معرض تأثیرات بیرونی که ماهیت و جهت آن را شکل می‌دهند، قرار می‌گیرد. این تأثیرات بیرونی؛ شامل اندیشه‌های غالب در علم زمان (روح زمان یا حال و هوای روشنفکران زمان‌ها) و نیروهای اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی موجود است (شولتز و شولتز،^۱ ۱۹۹۶) و این امر است که علم و از جمله روان‌شناسی را محصول تعامل بین نوابغ، فرهنگ و یا روح زمان می‌کند (برینگ،^۲ ۱۳۷۴).

اندیشه‌های اساسی قرن هفدهم، یعنی فلسفه‌ای که روان‌شناسی جدید از آن سر برآورد، روح ماشینی‌گرایی بود و این روح زمان^۳ قرن هفدهم تا نوزدهم بود که زمینه فکری را برای رشد و توسعه روان‌شناسی جدید فراهم کرد (شولتز و شولتز، ۱۹۹۶). این امر به علاوه رد پای اندیشه فیلسوفانی چون مارکس و داروین در آثار دانشمندان سایر علوم و از جمله روان‌شناسی، از آن علمی ساخته است که نگرش مادی‌گرایانه بر آن حاکم می‌باشد.

از آنجا که یک نگرش مثبت یا منفی سبب‌گزینی بودن نگرش در تمام مراحل پردازش اطلاعات می‌شود (بهنر و وانک، ۱۳۸۴)؛ اگر روان‌شناسی را به علم مطالعه هوشیاری تعریف کنیم، هر امر دیگری به کنار نهاده خواهد شد و نیز اگر روان‌شناسی را به علم بررسی رفتار آشکار معرفی کنیم، تنها رفتارهای مشاهده‌پذیر قابل بررسی خواهند بود و هر موضوع دیگری نادیده انگاشته می‌شود (بونزه و آردیلا، ۱۹۸۷).

مبانی یک نظریه شخصیت، از جمله دیدگاه آن درباره انسان سالم، به گونه‌ای عمیق در فرض‌های اساسی نظریه پرداز درباره ماهیت انسان ریشه دارد (شجاعی، ۱۳۸۹). بدین ترتیب تفاوت، در نگرش نسبت به هستی و ماهیت انسان، نظام ارزش‌ها و مطالبات اخلاقی خاصی که همان وضعیت ایده‌آل یا هنجارهای اخلاقی است را شکل می‌دهد و مشخص‌کننده آن است که چه تغییری باید اتفاق بیفتد (باقری، ۱۳۹۱).

برخلاف نظریات روان‌شناسی و روان‌درمانی با منشأ مادی‌گرایی، ریشه نگرش‌های دینی و اسلامی نسبت به ماهیت انسان، غیر مادی است (شجاعی، ۱۳۸۹) و برخلاف برداشت روان‌شناسان از ماهیت انسان، اسلام علاوه بر بُعد مادی به جنبه‌های غیر مادی نیز اعتقاد دارد و برای انسان علاوه بر جسم، روح خدایی نیز قائل است. روحی که با مرگ بدن، نابود نمی‌شود و اصلاً قوام شخصیت انسان به روح، و بدن ابزاری برای تکامل آن است (شجاعی، ۱۳۸۶). این امر، نمایانگر تفاوت نظریه پردازان مسلمان و روان‌شناسان در نگرش آنها نسبت به ماهیت انسان است؛ امری که چنانچه پیش از این اشاره شد، زیربنای دیدگاه‌های متعدد درباره انسان سالم و زندگی مطلوب او و اهداف نهایی تغییر در او خواهد شد.

1. Schultz & Schultz

2. Boring, E

۳. برینگ لغت zeitgeist را که لغتی آلمانی و تقریباً مترادف واژه «فضای فرهنگی» یا «روح زمان» در زبان فارسی است به کار می‌برد (کوهن، ۱۳۸۳).

نظریه پردازان دینی و مسلمان بر این اعتقادند که هر یک از دیدگاه‌ها و مکاتب به جز ادیان الهی، به بُعدی از ابعاد وجودی انسان نظر دارند و اهداف خاصی از تغییر و دستیابی به کمال را اراده کرده‌اند. اگرچه در میان این دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف و گاه متضاد می‌توان به قدر مشترکی دست یافت اما مبانی انسان‌شناختی و نگرش‌های چندگانه به جهان و انسان مانع ارائه الگویی مناسب و تعریف جامعی از اهداف تغییر شده است؛ آنچنان که روان‌شناسان انسان‌گرا نیز علی‌رغم همگرایی بیشتر فکری نسبت به سایر نظریه‌پردازان، در ارائه اهدافی مشترک به توافق نرسیده‌اند. برای مثال، مازلو بر نیازهای زیستی - روانی تأکید می‌ورزد و راجرز «کنش کامل» را مهم‌ترین هدف برمی‌شمرد (بشیری، ۱۳۸۹)؛ هرچند وجود دیدگاه‌های متقابل در علم، امری طبیعی و مفید است اما به شرط آنکه برآیند آن، مرگ باطل و زایش حقیقت باشد و حال آنکه این تجزیه و دسته‌بندی در روان‌شناسی از حد خود فراتر رفته است و علت آن زیربنای مکاتب فلسفی هم‌اورد است و تنها راه غلبه بر این تعدد به وحدت رسانیدن این مکاتب فلسفی حول یک محور (ترجیحاً فلسفه‌ای که به روح علمی نزدیک‌تر باشد) می‌باشد (بونژه و آردیلا، ۱۳۸۸).

به این ترتیب، تعدد موجود روان‌شناسی را به گفته بونژه و آردیلا (۱۹۸۷) به تابلوی بزرگی برگرفته از موضوعات پراکنده و تمامی رنگ‌ها مانند کرده که آن را یا دیوانه‌ای زبردست و یا خیل هنرمندانی از صدها هنر و حرفه و مکتب مختلف نقاشی کرده است و از سویی دیگر، نگرش مادی‌گرایی حاکم بر روان‌شناسی غفلت از بُعد غیر مادی انسان را به همراه داشته است که لازمه یکپارچگی و نگاه به کلیت انسانی، نیاز به تغییر در اهداف تغییر مورد نظر در روان‌شناسی و روان‌درمانی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال بررسی اهداف تغییر در نظریات روان‌شناسی و مقایسه این اهداف با دیدگاه موجود در منابع اسلامی درباره غایت تغییر انسان است تا از این منظر نقاط تشابه و تمایز آن دو را استخراج نماید. هدف تغییر نیز آن شرایط مطلوبی است که در جریان یک مداخله روان‌درمانی، یا مداخله اجتماعی، دینی و یا هر فرآیند دیگر، فرد را به سوی غایتی سوق می‌دهد که از منظر آن رویکرد به عنوان شرایط مطلوب تلقی می‌گردد (باقری، ۲۰۰۶)؛ به این معنا که تغییرات در رفتار و فرآیندهای روانی تنها از طریق یک مداخله روان‌شناختی صورت نمی‌پذیرد بلکه متغیرهای تأثیرگذار شامل رسانه، آموزش و گروه‌های اجتماعی فراوانند؛ اما در اینجا هر گونه تغییر در سطح رفتار و فرآیندهای شناختی مدنظر است که آگاهانه و با برنامه از طریق کاربست هر یک از روش‌های فوق صورت می‌گیرد و مداخلات

روان‌شناختی نیز یکی از این روش‌هاست. در این پژوهش آنچه مورد نظر است هدفی است که روان‌شناسی و امام علی(ع) از کاربست این امکانات جهت ایجاد تغییراتی خاص دنبال می‌کنند. تغییرات هم می‌تواند در سطح رفتار باشد و به دور از تغییرات اساسی در سطح فرآیندهای شناختی و هم می‌تواند در سطح فرآیندهای شناختی و یا خودشناخت باشد (نگرش‌ها و ارزش‌ها بدون ابراز آن به صورت رفتار در همه شرایط) که جهت پوشش دادن به این دو سطح از تغییرات، رفتار و فرآیندهای روانی در این پژوهش به صورت منفک آورده شده است، اما درحقیقت به معنای شامل شدن هدف تمامی انواع تغییر است.

انتخاب سخنان امام علی(ع) از میان منابع اسلامی بدان جهت بود که سخنان امام پس از قرآن از غنی‌ترین منابع اسلامی است که می‌توان جهت‌گیری‌ها و دیدگاه‌های اسلام را از آن استخراج نمود و از آن مهم‌تر اینکه این سخنان برگرفته از کلام انسانی است که احکام اسلام را به غایت در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی و حکومتی اجرا کرده است و به‌نوعی استخراج اهداف تغییر از این سخنان عینی‌تر، کاربردی‌تر و قابل‌انکاتر می‌نماید. گستردگی و تعدد سخنان امام علی(ع) ما را بر آن داشت که از این دریا جرعه‌ای برگزیریم و حکمت‌های نهج‌البلاغه را مورد پژوهش قرار دهیم.

با توجه به آنچه گذشت پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به چهار سؤال اساسی است:

۱. مهم‌ترین اهداف تلویحی و عینی تغییر انسان در سخنان امام علی(ع) کدامند؟
۲. مهم‌ترین اهداف تغییر روان‌شناسی، به صورت تلویحی و عینی در سخنان امام علی(ع) کدامند؟
۳. آیا بین خرده‌اهداف تغییر در سخنان امام علی(ع) ارتباط معنایی وجود دارد؟
۴. آیا بین خرده‌اهداف تغییر در سخنان امام علی(ع) با اهداف تغییر در روان‌شناسی ارتباط معنایی وجود دارد؟

روش جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوایی است که در دو بخش کیفی و کمی انجام گرفت. تحلیل محتوا روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (کرلینگر، ۱۹۸۶). جامعه آماری این پژوهش مجموعه حکمت‌های نهج‌البلاغه است که به روش نمونه‌گیری هدفمند به استخراج واحدهای معنایی (واحد تحلیلی پژوهش) که عامل تجزیه‌کننده محتوای مورد بررسی و اساس توصیف

و تحلیل یافته‌هاست می‌باشد. در اینجا واحدهای معنایی حاوی اهداف تغییر عینی و تلویحی است که در حکمت‌های امام به صورت جملات و عبارات استخراج شد و در چند مرحله پالایش به سمت جملات واضح تر حاوی این اهداف تغییر، به حجم نمونه‌ای با ۳۳۰ واحد از ۱۶۶ حکمت تقلیل یافت.

ابزار پژوهشی

ابزار پژوهشی «نظام طبقه‌بندی تحلیل محتوایی» است که در مراحل تحلیل محتوای کیفی به دست آمد؛ به این ترتیب که از طریق طبقه‌بندی واحدهای معنایی استخراج شده در قالب گروه‌هایی همگن و نامگذاری آنها و نیز تقلیل چندمرحله‌ای، طبقات شانزده‌گانه اهداف تغییر موجود در سخنان امام حاصل شد و در عملیاتی موازی نیز در نظریات روان‌شناسی و روان‌درمانی شش طبقه به دست آمد و محصول تلفیق این دو گروه ابزار پژوهش حاوی ۲۲ طبقه را تشکیل داد، سپس دستورالعمل کدگذاری با استفاده از این مقولات و نیز برگه‌های کدگذاری از طریق انتخاب ۲۵۱ واحد معنایی و گردآوری آنها جهت ارائه به سه ارزیاب آموزش دیده تهیه شد.

جدول ۱: توصیف طبقات و ضریب توافقی بین ارزیاب‌ها

اهداف تغییر	توصیف مفاهیم	ضریب توافق
ذکر	به یادآوردن و حفظ صورتی که پنهان است همچون مرگ، گذر وقت، خطرات آینده و ارزش‌ها و ضعف‌های خود و نیز یاد خدا که ذکر زبانی یکی از شاخه‌های آن است و در برابر آن غفلت قرار دارد که نتیجه آن فراموشی و توجه به غیر است.	۰/۳۷
حل تعارض	تمرکز و دوری از انجام همزمان چند کار که پیامد آن پایین آمدن سطح هوشیاری و غیبت روان‌شناختی، شک و تردید و بدگمانی است؛ در مقابل آن قطعیت، پایداری و ثبات در تصمیم‌گیری قرار دارد.	۰/۴۷
تعاون	نیاز به ارتباط و مهارت‌های ارتباطی درست در درون انسان که شامل نوع‌دوستی، دقت در انتخاب دوست و رعایت اصول روابط اجتماعی از جمله شیوه‌های غیر مستقیم تربیتی و در نهایت پرهیز از انزوای اجتماعی و رویارویی اجتماعی است.	۰/۵۱
غایت‌نگری	راضی نشدن به حد معینی از امور و بسنده کردن به کارهای ناچیز و پست و تلاش برای امری والاتر و ارزشمندتر است، مثل معنایابی متعالی که متعالی‌ترین آن داشتن اهداف الهی و پرهیز از دنیازدگی و رو به سوی آخرت داشتن است.	۰/۳۳
خودکنترلی	مراقبت نسبت به خود در میزان و محتوای گفتار، رفتار و افکار و پرهیز از اعمال شبهه‌ناک و در نهایت اصلاح نارسایی‌های خود و سازمان‌یافتگی براساس مبنایی مناسب که بر اثر تکرار مانعی است در برابر ترس.	۰/۴۱

اهداف تغییر	توصیف مفاهیم	ضرب توافق
آمادگی برای تغییر	پرهیز از خودبزرگ‌بینی، برتری‌جویی و خودرأیی و لجاجت که عامل از بین رفتن فکر و اندیشه و درنهایت نابودی است؛ و حرکت به سوی پذیرش و فروتنی که پیامد آن حرکت به سوی رشد و کمال است.	۰/۴۵
تعادل	شایسته‌ترین مورد در هر زمینه که سبب کمال است و خارج شدن از این محدوده و حرکت به سوی هر یک از اضداد سبب خارج شدن از مسیر تعادل می‌باشد و ابتلا به ناهنجاری‌ها و بیماری‌های روحی را به دنبال دارد.	۰/۴۷
عقل	تفکر در باب شناخت خود، گذشته، موقعیت‌ها و کسب حکمت و در نتیجه سنجیده و به دور از شتاب عمل کردن است؛ بروز آن در نقطه‌ی مقابل ناتوانی در تشخیص موقعیت و شتاب در تصمیم‌گیری‌هاست.	۰/۳۵
صبر	امید، تحمل مشکلات و آشکار کردن آسودگی و رضایت در زندگی، پرهیز از قضاوت عجولانه و درنهایت در منازعه بین خواسته‌های عقلانی و شهوانی صبر به معنای جانب عقل را گرفتن و تحمل رنج دوری از شهوات است.	۰/۴۶
فضایل اخلاقی	چگونگی متعالی زیستن، عمل کردن و پاک شدن از خلق و خواهی‌های نامناسب و درنهایت کسب فضایل اخلاقی که خوش‌خلقی چکیده آنهاست.	۰/۳۰
اصالت	راستگویی و روراستی با خود و دیگران و شناخت و معرفی خود در زبان و عمل همان‌گونه که هست و پرهیز از خودفریبی و ریا.	۰/۳۲
مسئولیت‌پذیری	نقش فعال در اصلاح اجتماع و پاسخ مثبت و منفی به طبیعت. مسئولیت شامل سه بخش مسئولیت در برابر داشته‌های خود، دیگران و طبیعت می‌باشد و در مقابل آن ناسپاسی و بی‌مسئولیتی است که سبب نابودی داشته‌ها می‌شود.	۰/۲۵
واقع‌بینی	کسب اطلاعات درست از منابع قابل اعتماد فردی و محیط و در نتیجه تحلیل صحیح واقعیات و تصمیم‌گیری مناسب در مقابل دوری از واقعیات، توقعات نابجا، غرق شدن در آرزوها و در منتهی‌الیه آن توهم و هذیان قرار دارد.	۰/۲۰
انتخاب آزادانه	انگیزه و علاقه در برابر اجبار به عمل. درک این مسئله توسط فرد که او قادر به ترک و یا انجام یک عمل به انتخاب خود اوست و هر دو برایش امکان‌پذیر است و در مقابل آن اجبار است که مانع کسب واقعیات می‌باشد.	۰/۴۶
خشیت	احساس فراگیری از ترس و حساب بردن؛ آمیخته با حس احترام در سراسر زندگی از یک نیروی برتر که سبب توجه و مراقبت است.	۰/۳۴
یکپارچگی شخصیت	پیوستگی بین ابعاد شخصیت شامل گفتار، رفتار، افکار، علم و عمل است که در مقابل آن تناقض و گسستگی شخصیت قرار دارد.	۰/۴۹
منطقی بودن	دوری از تفکرات بچگانه و پرتوقع شامل توقعات خشک و تعصب‌آمیز و انتساب‌های نامعقول و بیش از حد تعمیم‌یافته می‌باشد. ایده‌آل این ویژگی به پابندی به زندگی منطقی دانشمندان می‌باشد.	۰/۰۸
خودشکوفایی	بالفعل کردن ظرفیت‌های بالقوه در درون انسان که واجد ویژگی‌هایی چون: اصالت، خودآگاهی، هدفمندی، مسئولیت‌پذیری، خودانکایی، تجربه‌پذیری و غیره می‌باشد.	۰/۲۳
سازگاری با محیط	ملاک ناهنجاری مشکل‌ساز بودن رفتار فرد برای خود و دیگران است؛ بنابراین تلاش می‌شود که با ملاک قرار دادن جامعه هدف به فرونشاندن رفتارهای ناسازگار و تقویت رفتار سازگار پرداخته شود.	۰/۱۱

اهداف تغییر	توصیف مفاهیم	ضریب توافق
تنظیم روابط بین اعضا	علت ناپهنجاریها و بیماریها مشکلات ارتباطی بین اعضای خانواده به دلایلی چون ابهام مرزها، گسستگی خانواده، درهم‌تنیدگی و غیره است و بنابراین، هدف تغییر اصلاح وضعیت ارتباطی درون خانواده است.	۰/۵۷
کاهش تنش	دستیابی به تعادل حیاتی و توازن بین سه پایگاه شخصیتی که از طریق هشیار کردن اندیشه‌های واپس رانده‌شده و جایگزینی دفاع‌های منطقی دنبال می‌شود، نقطه ایده‌آل این هدف دستیابی به شخصیت تناسلی است.	۰/۰۹
علاقه اجتماعی	احساس پیوند داشتن با افراد دیگر و همکاری با آنها در دستیابی به اهداف خود و جامعه و پرورش توانایی‌های خود هم‌راستا با پیشرفت جامعه و آن هدف شکوهمندی است که سبک زندگی سالم را رقم می‌زند.	۰/۴۲

جدول شماره ۱ به توصیف مفاهیم هر یک از اهداف تغییر ۲۲ گانه یا همان نظام طبقه‌بندی تحلیل محتوایی پرداخته و پایایی هر یک از طبقات را که به وسیله محاسبه ضریب توافقی نظرات سه ارزیاب محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد. در تفسیر ضرایب توافقی عدد بالای واحدهای معنایی کدگذاری شده (۲۵۱ واحد) و وجود سه ارزیاب حائز اهمیت می‌باشد.

ضریب توافقی به دست آمده نشان می‌دهد که به جز طبقات کاهش تنش و منطقی بودن که ضریب توافقی معناداری را نشان نداد، طبقه سازگاری با محیط با ۹۵٪ اطمینان و سایر طبقات با ۹۹٪ اطمینان پایایی قابل قبولی را به نمایش گزارده‌اند.

در نهایت نیز داده‌های کمی جمع‌آوری شده از برگه‌های کدگذاری ارزیابان در مرحله تحلیل محتوای کمی به وسیله نرم‌افزار spss و محاسبه آلفای کرونباخ جهت تحلیل فرکانس طبقات و ضریب کانتینگنس جهت محاسبه ضریب همبستگی بین طبقات مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن در جدول‌های شماره ۲ و ۳ آمده است.

یافته‌ها

آنچه را که به عنوان دستاورد تحلیل محتوای کیفی و کمی در این پژوهش می‌توان عنوان کرد شامل نظام طبقه‌بندی ۲۲ گانه‌ای از اهداف تغییر مورد نظر روان‌شناسی و سخنان امام علی(ع) است که ابزار پژوهشی مورد نیاز را تأمین نمود و سپس به دست آوردن درصد فراوانی این طبقات در سخنان امام از طریق درصد پاسخگویی ارزیابان و نیز تحلیل ارتباط طبقات با یکدیگر با استفاده از فرمول ضریب کانتینگنس بود که در نهایت پاسخگویی به سؤالات مورد نظر در این پژوهش را ممکن ساخت.

جدول ۲: فراوانی اهداف تغییر نظام طبقه‌بندی، در سخنان امام علی(ع) به ترتیب اولویت

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۲۲	تنظیم روابط بین اعضا	۶	۲.۴
۲۱	انتخاب آزادانه	۱۵	۶
۲۰	حل تعارض و رسیدن به ثبات و قطعیت	۲۶	۱۰.۴
۱۹	یکپارچگی شخصیت	۴۴	۱۷.۵
۱۸	اصالت	۴۶	۱۸.۳
۱۷	علاقه اجتماعی، اجتماعی شدن	۵۶	۲۲.۳
۱۶	واقع‌بینی	۶۳	۲۵.۱
۱۵	فضایل اخلاقی	۶۸	۲۷.۱
۱۴	آمادگی برای تغییر	۶۹	۲۷.۵
۱۳	تعاون، همدلی اجتماعی	۷۳	۲۹.۱
۱۲	منطقی بودن	۷۳	۲۹.۱
۱۱	کاهش تنش و رسیدن به شخصیت تناسلی	۷۴	۲۹.۵
۱۰	خودکنترلی	۷۵	۲۹.۹
۹	تعادل	۷۷	۳۰.۷
۸	سازگاری با محیط	۷۸	۳۱.۱
۷	تقوا، خشیت	۷۹	۳۱.۵
۶	صبر	۱۰۲	۴۰.۶
۵	ذکر، یادآوری	۱۱۱	۴۴.۲
۴	مسئولیت‌پذیری	۱۱۲	۴۴.۶
۳	خودشکوفایی	۱۱۷	۴۶.۶
۲	غایت‌نگری، آخرت‌گرایی، دوراندیشی	۱۳۱	۵۲.۲
۱	عقل	۱۴۰	۵۵.۸
	مجموع	۲۵۱	۱۰۰

نتایج جدول شماره ۲، پاسخگویی به دو سؤال اول این پژوهش است. به این ترتیب عقل با ۵۵/۸٪، غایت‌نگری با ۵۲/۲٪ و خودشکوفایی با ۴۶/۶٪ فراوانی، سه اولویت نخست اهداف تغییر در سخنان امام است. در انتها، تنظیم روابط بین اعضا با ۲/۴٪، انتخاب آزادانه با ۶٪ اهداف انتهایی مورد توجه امام را به خود اختصاص داده است؛ همچنین، بررسی طبقات شش‌گانه روان‌شناسی موجود در نظام طبقه‌بندی پژوهش، با توجه به جدول شماره ۲ اولویت این اهداف را در دیدگاه امام نمایش می‌دهد. بر این اساس، خودشکوفایی در

رتبه‌بندی کلی اهداف تغییر مورد نظر، در مرتبه سوم و در میان اهداف تغییر روان‌شناسی در رتبه اول با ۴۶/۶٪ فراوانی قرار دارد و سپس در مرتبه بعدی؛ سازگاری با محیط با ۳۱/۱٪ و علاقه اجتماعی با ۲۲/۳٪ قرار دارد. کاهش تنش و منطقی بودن نیز با توجه به ضریب توافقی‌شان در تمام پژوهش با احتیاط تفسیر خواهند شد و در انتهای جدول اهداف تغییر روان‌شناسی در دیدگاه امام؛ تنظیم روابط بین اعضا با ۲/۴٪ فراوانی قرار دارد. از سوی دیگر، چنانچه اهداف ۲۲گانه را به دو گروه اهداف تغییر فردی و اجتماعی تقسیم کنیم پنج مقوله مربوط به اهداف جمعی و هفده مقوله اهداف فردی است و نیز اولویت اهداف فردی در رده‌های ابتدایی جدول همچون عقل و ختم طبقات به تنظیم روابط بین اعضا نشان از اولویت اهداف تغییر امام به اصلاح فردی اما با هدف دستیابی به خانواده و اجتماعی سالم دارد.

جدول شماره ۳ روابط معنادار بین طبقات و ضریب همبستگی بین آنها را نشان می‌دهد. جهت رعایت اختصار در این جدول از آوردن ضریب همبستگی‌هایی که معنادار نبود و سطح معناداری که اغلب با اطمینان ۹۹٪ و در برخی موارد ۹۵٪ بود، اجتناب شد و ارتباط معنادار بین هر یک از طبقات با سایر طبقات ۲۲گانه به ترتیب بیشترین به کمترین و با ضریب همبستگی به دست آمده به نمایش درآمد.

جدول ۳: ضریب‌های همبستگی معنادار با سایر طبقات به ترتیب بزرگی آنها (روابط معنایی بین طبقات)

مقوله اصلی	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}	مقوله مرتبط	CC _{korrr}
ذکر	خشیت	۰/۳۲	غایت‌نگری	۰/۱۷	تعالل	۰/۱۷	انتخاب آزادانه	۰/۱۵	یکپارچگی شخصیت	۰/۱۳										
کاهش تنش	واقع‌بینی	۰/۱۷	اصالت	۰/۱۴	غایت‌نگری	۰/۱۳														
حل تعارض	غایت‌نگری	۰/۲۱	منطقی بودن	۰/۱۸	مسئولیت پذیری	۰/۱۷	انتخاب آزادانه	۰/۱۳	تعاون	۰/۱۴	خشیت	۰/۱۴	عقل	۰/۱۷	مسئولیت پذیری	۰/۱۸	منطقی بودن	۰/۲۱	غایت‌نگری	۰/۱۳
تعاون	علاقه اجتماعی	۰/۴۱	فضایل اخلاقی	۰/۳۰	غایت‌نگری	۰/۲۵	صبر	۰/۲۰	سازگاری با محیط	۰/۱۹	خودشکوفایی	۰/۱۹	خودکنترلی	۰/۱۸	خشیت	۰/۱۷	واقع‌بینی	۰/۱۳	عقل	۰/۱۶
علاقه اجتماعی	تعاون	۰/۴۱	صبر	۰/۲۲	خودکنترلی	۰/۲۱	عقل	۰/۱۹	خودشکوفایی	۰/۱۵	آمادگی برای تغییر	۰/۱۴	غایت‌نگری	۰/۱۳	خشیت	۰/۱۳	فضایل اخلاقی	۰/۱۲	یکپارچگی شخصیت	۰/۱۲
غایت‌نگری	تعاون	۰/۲۵	خشیت	۰/۲۳	آمادگی برای تغییر	۰/۲۲	حل تعارض	۰/۲۱	یکپارچگی شخصیت	۰/۲۰	ذکر	۰/۱۷	منطقی بودن	۰/۱۵	صبر	۰/۱۴	فضایل اخلاقی	۰/۱۳	علاقه اجتماعی	۰/۱۳
خودکنترلی	صبر	۰/۲۹	واقع‌بینی	۰/۲۳	علاقه اجتماعی	۰/۲۱	خشیت	۰/۲۰	تعاون	۰/۱۸	منطقی بودن	۰/۱۸	تعاون	۰/۱۸	منطقی بودن	۰/۱۸	صبر	۰/۱۴	کاهش تنش	۰/۱۳
آمادگی برای تغییر	غایت‌نگری	۰/۲۲	منطقی بودن	۰/۱۵	صبر	۰/۱۵	علاقه اجتماعی	۰/۱۴	فضایل اخلاقی	۰/۱۲	مسئولیت پذیری	۰/۱۲	تعالل	۰/۱۱	تعالل	۰/۱۱	تعالل	۰/۱۱	تعالل	۰/۱۱
سازگاری با محیط	تعاون	۰/۱۹	خودشکوفایی	۰/۱۷	خشیت	۰/۱۳														
تعالل	ذکر	۰/۱۷	واقع‌بینی	۰/۱۴	خودشکوفایی	۰/۱۳	آمادگی برای تغییر	۰/۱۱												
عقل	منطقی بودن	۰/۲۷	خشیت	۰/۲۲	علاقه اجتماعی	۰/۱۹	واقع‌بینی	۰/۱۶	تعاون	۰/۱۶	تعاون	۰/۱۶	حل تعارض	۰/۱۴	مسئولیت پذیری	۰/۱۳				

مقوله اصلی	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	مقوله مرتبط	CCkorr	
منطقی بودن	واقع بینی	۰/۲۸	عقل	۰/۲۷	خشیت	۰/۲۵	حل تعارض	۰/۱۸	خودکنترلی	۰/۱۸	صبر	۰/۱۵	غایت‌نگری	۰/۱۵	آمادگی برای تغییر	۰/۱۵					
صبر	خودکنترلی	۰/۲۹	یکپارچگی شخصیت	۰/۲۲	علاقه اجتماعی	۰/۲۲	خشیت (تقوا)	۰/۱۸	آمادگی برای تغییر	۰/۱۵	منطقی بودن	۰/۱۵	غایت‌نگری	۰/۱۴	اصالت	۰/۱۳	مسئولیت پذیری	۰/۱۲			
فضایل اخلاقی	تعاون	۰/۳۰	واقع بینی	۰/۱۶	غایت‌نگری	۰/۱۳	علاقه اجتماعی	۰/۱۲	آمادگی برای تغییر	۰/۱۲											
اصالت	یکپارچگی شخصیت	۰/۲۸	کاهش تنش	۰/۱۴	صبر	۰/۱۳	غایت‌نگری	۰/۱۲													
مسئولیت‌پذیری	حل تعارض	۰/۱۷	واقع بینی	۰/۱۴	عقل	۰/۱۳	ذکر	۰/۱۳	صبر	۰/۱۲	تنظیم روابط بین اعضا	۰/۱۲	آمادگی برای تغییر	۰/۱۲							
خودشکوفایی	تعاون	۰/۱۹	واقع بینی	۰/۱۸	سازگاری با محیط	۰/۱۷	علاقه اجتماعی	۰/۱۵	تعادل	۰/۱۳											
واقع بینی بودن	منطقی بودن	۰/۲۸	خودکنترلی	۰/۲۳	خودشکوفایی	۰/۱۸	کاهش تنش	۰/۱۷	عقل	۰/۱۶	فضایل اخلاقی	۰/۱۶	مسئولیت پذیری	۰/۱۴	تعادل	۰/۱۴	حل تعارض	۰/۱۳			
یکپارچگی شخصیت	اصالت	۰/۲۸	صبر	۰/۲۲	غایت‌نگری	۰/۲۰	ذکر	۰/۱۳	علاقه اجتماعی	۰/۱۲											
انتخاب آزادانه	ذکر	۰/۱۵	حل تعارض	۰/۱۳	خشیت	۰/۱۳															
تنظیم روابط بین اعضا	تعاون	۰/۱۲	مسئولیت پذیری	۰/۱۲																	
خشیت بودن	منطقی بودن	۰/۲۵	غایت‌نگری	۰/۲۳	عقل	۰/۲۲	ذکر	۰/۲۲	خودکنترلی	۰/۲۰	تعاون	۰/۱۸	صبر	۰/۱۸	حل تعارض	۰/۱۴	علاقه اجتماعی	۰/۱۳	انتخاب آزادانه سازگاری با محیط	۰/۱۳	۰/۱۳

نتایج در جدول نشان می‌دهد که گسترده‌ترین ضریب همبستگی با سایر طبقات به ترتیب متعلق به طبقات تعاون با ۱۳، غایت‌نگری با ۱۲ و خشیت با ۱۱ طبقه دیگر است و نیز کمترین این روابط مربوط به طبقات تنظیم روابط بین اعضا، انتخاب آزادانه، سازگاری با محیط و کاهش تنش می‌باشد و نیز در میان طبقات روان‌شناسی، علاقه اجتماعی با ۱۰ مورد و منطقی بودن با ۸ مورد همبستگی با سایر طبقات و تنظیم روابط بین اعضا با ۲ مورد به ترتیب گسترده‌ترین و محدودترین همبستگی را با سایر اهداف تغییر موجود در سخنان امام نشان داده‌اند.

همین‌طور، قوی‌ترین ضریب همبستگی بین طبقات متعلق به طبقه تعاون با علاقه اجتماعی ۰/۴۱، ذکر با خشیت ۰/۳۲ و تعاون با فضایل اخلاقی ۰/۳۰ و با ۹۹٪ اطمینان می‌باشد. از جمله دیگر نتایج آن است که طبقه ذکر و انتخاب آزادانه با هیچ‌یک از طبقات روان‌شناختی رابطه معنادار نشان نمی‌دهد.

بحث

مهم‌ترین اهداف تلویحی و عینی تغییر انسان در سخنان امام علی(ع): همان‌طور که در جدول شماره ۲ می‌بینیم، عقل، غایت‌نگری و خودشکوفایی مهم‌ترین اهداف تغییر انسان در سخنان امام علی(ع) معرفی می‌شوند.

عقل در منابع اسلامی به عنوان منبع درونی شناخت (مطهری، ۱۳۵۸) و راهنمای درونی در کنار راهنمای بیرونی یعنی پیامبران معرفی شده است و حتی آن را اساسی‌ترین هدف رسالت پیامبران می‌دانند و به توییخ کسانی که از این منبع راهنمای ارزشمند استفاده نمی‌کنند، می‌پردازد (ساجدی، ۱۳۸۷) اما در روان‌شناسی عقلانیت توسط آلبرت ایس مطرح می‌شود که بر فرآیندهای درونی ارگانیزم و نحوه تفکر به عنوان تعیین‌کننده مهم کارکرد شخصیت تأکید می‌ورزد. ایس شرط دوری از آشفتگی‌های عاطفی را بنا کردن زندگی بر منطق و عقلانیت می‌داند و بر این عقیده است که چنانچه عقلمان را راهنمای زندگی مان می‌کردیم، رابطه ما با خودمان و دیگران می‌توانست بسیار ثمربخش‌تر باشد (ایس و مک‌لارن، ۲۰۰۵). همان‌طور که در تبیین‌های بعدی خواهد آمد؛ در پژوهش حاضر نیز عقل با منطقی بودن ایس از جمله بالاترین عدد همبستگی را نشان می‌دهد اما موضوع مهم در اینجا در کنار تشابه دیدگاه امام و تأکید روان‌شناسانی چون ایس بر عقلانیت تفاوت این

دو دیدگاه نسبت به این مفهوم اساسی است. آکوچکیان (۱۳۸۱) در پژوهشی که به مقایسهٔ اجمالی نگرش اسلام نسبت به انسان با رویکرد شناختی می‌پردازد، بیان می‌کند که در حالی که در رویکرد شناختی زیربنای باورهای انسانی و منطقی بودن آنها را جامعه و خود فرد تعیین می‌کند، در دیدگاه دینی اساس باورهای منطقی انسان را ایمان به خدا و تفکر توحیدی و نیز اساس باورهای غیر منطقی را کفر و ناباوری به تفکر توحیدی تشکیل می‌دهد. به هر روی، عقلانیت در روان‌شناسی تجربی و در دیدگاه امام علی (ع) نقش برجسته‌ای دارد اما به لحاظ مفهوم عقلانیت نمی‌توان دو نگرش را مشابه دانست و عدد همبستگی ۰/۲۷ شاید خود گویای همین امر است.

غایت‌نگری به عنوان دومین اولویت اهداف تغییر به دست آمده در سخنان امام؛ در آیات و روایات متعدد و در میان منابع معتبر اسلامی به صورت دل‌نیستن به خواسته‌های زودگذر مادی و رو به سوی اهداف بلند داشتن و آخرت‌گرایی مورد تأکید قرار گرفته است. دنیاگرایی و توجه افراطی به امور مادی، آدمی را از توجه به بُعد غیر هوشیار نفس دور می‌کند و همین امر سبب نقص در شکوفایی و عملی نشدن بهداشت روانی در او می‌گردد و افزون بر این، تمرکز تمامی نیروها بر روی غرایز حیوانی وقت و توانی برای شکوفایی باقی نمی‌گذارد (ساجدی، ۱۳۸۷)؛ اما در روان‌شناسی از آنجا که رویکرد پوزیتیویستی همانند رفتارگرایی مفهومی همانند غایت و اهداف مطرح نمی‌شوند، در برخی رویکردهای دیگر که از ویژگی‌های انسان هوشیار و اراده سخن می‌گوید، مفهوم غایت نیز مطرح می‌گردد؛ از جمله روان‌درمانی آدلر به رسمیت شناختن هر چیز را فارغ از نیروی فعال هدفمند در اندام روانی روح، به سختی امکان‌پذیر می‌داند (آدلر، ۱۹۳۰) و آن هدف غایی و نقطهٔ آرمانی را پیوند با بشریت و علاقهٔ اجتماعی معرفی می‌کند (پروچسکا، ۱۹۹۹). فرانکل نیز در روش معنادرمانی خود لازمهٔ حرکت در مسیر تعالی‌دهندهٔ زندگی را، حرکت مداوم به سوی فراتر از خود می‌داند و مفهوم «از خودفراروندگی» را مطرح می‌نماید (هیلمن و فرانکل، ۲۰۰۴). به این ترتیب ملاحظه شد که وجه تشابه مقایسه مفهوم غایت در روان‌شناسی و در دیدگاه امام علی (ع) در توان انسان در بروز اهداف غایت‌مدار است و وجه تمایز بین این دو در جهت و قالبی است که رفتارهای غایت‌مدارانه می‌توانند به خود گیرند.

خودشکوفایی خود از اهداف تغییر مورد نظر روان‌شناسان شناخته شده‌ای چون مازلو و راجرز می‌باشد که هدف نهایی رشد انسان را رسیدن به این مرحله تعریف می‌کنند؛ این امر،

قرار گرفتن هدف خودشکوفایی را در طبقات اولیه اهداف تغییر مورد تأکید در سخنان امام دارای اهمیت و توجه خاص می‌کند. ساجدی (۱۳۸۷) از جمله مؤلفه‌های بهداشت روان در دین را که در چهار طبقه ترتیب بندی کرده است، خودشکوفایی می‌داند و بسیاری از مؤلفه‌های ذکر شده برای بهداشت روان را زمینه‌سازان خودشکوفایی برمی‌شمرد.

تفاوت این طبقه در دیدگاه اسلام و روان‌شناسی در پژوهش فقیه‌ی و رفیعی مقدم (۱۳۸۷) بیان شده است که اسلام، خودشکوفایی را دارای منشأ روانی و روان‌شناسی چون راجرز آن را با منشأ بیولوژیکی برمی‌شمرد؛ ضمن اینکه اسلام خودشکوفایی را فراتر از انسان معرفی می‌کند و اما راجرز آن را تنها در محدوده انسانی می‌داند و در نهایت، انسان کامل راجرز انسانی ناقص شناخته می‌شود (کاشانی صفار، ۱۳۷۹). به این ترتیب، در این طبقه نیز علی‌رغم تشابه در توجه ویژه به هدف خودشکوفایی انسان؛ این دو دیدگاه در ضمن دارا بودن نقاط مشترک، تعریف و اندازه این طبقه با یکدیگر در اختلافند.

اما در منتهی‌الیه اهداف روان‌شناختی مورد نظر امام تنظیم روابط بین اعضا، انتخاب آزاد، رسیدن به ثبات و یکپارچگی به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد این ترتیب بیانگر آن است که تحقق یا تسهیل این اهداف در گرو دستیابی به طبقات پیشین است. امری که مورد تأکید روان‌درمانگران است، همان پرهیز از سطحی‌نگری و دستیابی به درمان ماندگار است (لی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). و حال آنکه تنظیم روابط بین اعضا در حالی که افراد عضو در کاربرد عقلانیت ضعیف می‌نمایند چه کاربردی خواهد داشت؟ و یا اهدای آزادی و انتخاب به انسان‌ها بدون نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری و صبر و تعقل و غایتمندی، شاید هدیه‌ای جز سردرگمی را به ارمغان نیاورد و چگونه می‌توان انتظار یکپارچگی و ثبات شخصیتی را در ذهن پروراند؟!

مهم‌ترین اهداف تغییر تلویحی و عینی روان‌شناختی انسان در سخنان امام علی(ع): مهم‌ترین اهداف تغییر روان‌شناختی در سخنان امام به ترتیب شامل خودشکوفایی، سازگاری با محیط، کاهش تنش، منطقی بودن، علاقه اجتماعی و در نهایت تنظیم روابط بین اعضا می‌باشد. ضمن اینکه منطقی بودن و کاهش تنش علی‌رغم داشتن همبستگی‌های معنادار با سایر طبقات به دلیل پایا نبودن با احتیاط بیان می‌شود؛ خودشکوفایی که پیش از این راجع به آن بحث شد، هدف تغییر اساسی مورد نظر انسان‌گرایان و وجودگرایان می‌باشد و بیشترین قرابت را با اهداف تغییر مورد نظر امام داراست و تنظیم روابط بین اعضا کمترین قرابت را دارد.

جایگاه تنظیم روابط بین اعضا در انتهای جدول و نیز دقت در اهداف فردی در ابتدای جدول و حضور اهداف اجتماعی در انتها و تعداد آمار هفده تایی اهداف تغییر فردی در جدول نشان می‌دهد که در دیدگاه امام هرچند نقش خانواده در ابعاد مختلف بهداشت روانی و سلامت شخصیت از سایر عوامل مهم تر و مؤثرتر تلقی می‌شود (سالاری فر، ۱۳۹۰)، اما در مرحله درمان و اصلاح بیش از سایر عوامل بر فرد تأکید دارد و سپس خانواده و اطرافیان و تنظیم روابط بین آنها. این مسئله در روان‌درمانی آدلر نیز مطرح گردیده است و چنین بیان شده که تأثیر روابط با والدین با اهمیت است اما ما قربانیان تغییرناپذیر این تجارب نیستیم (آدلر، ۱۹۳۰) و این به معنای توان فرد مستقل در رشد و شکوفایی خود فارغ از گذشته خانوادگی او و متقابلاً اصلاح خانواده آینده خواهد بود تا برخلاف سایر دیدگاه‌های روان‌شناسی همچون رفتارگرایی و یا روان‌کاوی، دور باطل ناهنجاری‌ها با توانمندی و خواست فرد شکسته شود و این آن چیزی است که به نظر می‌رسد امام با شدت بیشتر بر آن تأکید و بر توانمندی آدمی در این مسیر اعتقاد راسخ دارد.

ارتباط معنایی بین خرده‌اهداف تغییر در سخنان امام علی(ع): بین خرده‌اهداف تغییر در سخنان امام به درجات مختلف ارتباط معنادار گسترده‌ای وجود دارد؛ به طوری که می‌توان این روابط را شبکه‌ای از روابط متقابل نامید که پیوستگی بین اهداف تغییر از دیدگاه امام و لزوم توجه به همه طبقات را نشان می‌دهد. اغلب حکمت‌ها، حاوی چندین هدف همزمان بوده‌اند، این مسئله یک تفاوت جالب توجه را بین دیدگاه‌های روان‌شناسی و دیدگاه امام نشان می‌دهد و آن اینکه برخلاف نظریات روان‌شناسی و روان‌درمانی که سعی دارند یک هدف خاص را معرفی کرده و آن را سمت و سوی حرکت صحیح انسانی قرار دهند و درخواست‌کنندگان درمان را به سوی آن هدایت کنند؛ امام با اولویت‌بندی خاص اما به طور همزمان دستیابی چندین هدف را مد نظر دارد؛ بیشترین شبکه این ارتباطات به ترتیب مربوط به طبقات تعاون، غایت‌نگری و خشیت است و کمترین آن مربوط به انتخاب آزادانه، اصالت و تعادل می‌باشد. این به آن معناست که اهدافی را که امام بیش از سایر اهداف در بیشتر حکمت‌ها به شکل هدف اصلی و یا هدفی فرعی مد نظر داشته‌اند؛ تعاون، غایت‌نگری و خشیت می‌باشد و این به معنای سیطره نگاه اجتماعی، غایتمدارانه و الهی امام به مسیر حرکتی انسان است.

قوی‌ترین همبستگی بین خرده‌اهداف امام با یکدیگر به ترتیب مربوط به طبقات خشیت با ذکر، فضایل اخلاقی با تعاون، صبر با خودکنترلی، یکپارچگی شخصیت با اصالت، غایت‌نگری با تعاون، واقع‌بینی با خودکنترلی، عقل با خشیت، غایت‌نگری با آمادگی برای

تغییر و غایت‌نگری با حل تعارض می‌باشد. در منابع اسلامی و بعضاً روان‌شناسی ارتباط این طبقات با یکدیگر بیان شده است و به عنوان نمونه در آیه ۱ سوره انفال، ۲۰۵ سوره اعراف و آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ سوره آل عمران به رابطه میان ذکر و خشیت اشاره شده است و از جمله ویژگی‌های مؤمن را ترسان بودن دل آنها در برابر ذکر نام خدا برمی‌شمرد. و یا در ارتباط بین فضایل اخلاقی و تعاون، دیدگاه اسلامی ارتباط با انسان‌های دیگر را ارتباطی توأم با پایبندی به تعهدات، احسان، گذشت، نیکوسازی اخلاق و رفتار و گفتار برمی‌شمرد (فقیهی و رفیعی مقدم، ۱۳۸۷). همین‌طور در پیوند میان خشیت و عقل، قرآن کریم تقوای الهی را مایه تمیز حق و باطل می‌داند و امام علی (ع) خود نیز بیشتر زمین‌خوردن پهلوانان را ناشی از حکومت طمع‌ها و هوس‌ها بیان می‌کند. این همان اصل طبیعی حاکم در درون انسان است (اصل تزاحم) که حالت روحی مخالف خستی‌کننده یکدیگر خواهند بود و بدین ترتیب اسلام تقوا را عامل هدایت‌کننده و نورانی‌بخش، و هوس‌ها را دشمنان عقل برمی‌شمرد (مطهری، ۱۳۵۸). در منابع روان‌شناسی آلبرت ایس عقل و منطق را مانعی بر سر غرق شدن در لذات زودگذر و هدایت‌کننده به سوی لذات درازمدت معرفی می‌کند (الیس و مک‌لارن، ۲۰۰۵). و یا در ارتباط بین غایت‌نگری و تعاون، آدلر سبک زندگی ارزشمند را داشتن هدفی شکوهمند دانسته و آن هدف شکوهمند را رسیدن به علاقه اجتماعی می‌داند (آدلر، ۱۳۷۹). آدلر با باور به توانایی‌های انسان در احساس و بیان همدلی، عواطف و همانندسازی با یکدیگر (میلر، ۱۹۹۹)؛ حس تعاون را مطرح می‌کند و آن را دارای خصوصیات مهمی مانند: واقع‌بینی، اندیشه منطقی، آمادگی انجام عمل برای به دست آوردن سلامت عمومی و غیره می‌داند (آدلر، ۱۹۳۰). بر همین اساس، در پژوهش حاضر نیز غایت‌نگری با منطقی بودن (۰/۱۵) و آمادگی برای تغییر (۰/۲۲) رابطه معنادار را نشان می‌دهد. به این ترتیب در دیدگاه روان‌شناسی نیز اهمیت برخی از این پیوندها بیان شده است.

شبکه پیوند بین طبقات بیانگر تأثیر و تأثرات آنها بر یکدیگر نیز هست؛ به این ترتیب که مثلاً غایت‌مند بودن در زندگی فرد به عنوان اصلی که دارای یکی از گسترده‌ترین پیوندها با سایر طبقات است، سایر اهداف دیگر را نیز تغییر می‌دهد و برعکس، ضعف در این ویژگی سایر طبقات را نیز به مراتب ضعیف خواهد کرد.

ارتباط معنایی بین خرده‌اهداف تغییر در سخنان امام علی (ع) با اهداف تغییر در روان‌شناسی:
در میان طبقات روان‌شناختی، علاقه اجتماعی با تعداد ۹ مورد همبستگی با سایر طبقات و سپس منطقی بودن با ۸ و خودشکوفایی با ۵ مورد، گسترده‌ترین رابطه معنادار را با اهداف تغییر موجود در سخنان امام به خود اختصاص دادند و این نشانه قرابت بیشتر این اهداف با

اهداف موجود در سخنان امام است. به لحاظ شدت ضریب توافقی نیز؛ همدلی اجتماعی با ۰/۴۱ ضریب همبستگی با علاقه اجتماعی، واقع بینی با ۰/۲۸ ضریب همبستگی با منطقی بودن و نیز عقل با ۰/۲۷ ضریب همبستگی با منطقی بودن بالاترین درجه همبستگی را با طبقات روان‌شناختی نشان دادند.

در اینجا در عین توجه به همپوشی بالای علاقه اجتماعی آدلر و طبقه تعاون در سخنان امام که نشان تقرب این دو مفهوم در دیدگاه اسلامی و روان‌شناختی دارد؛ مجموع و ترتیب همپوشی طبقات مربوط به سخنان امام با طبقه منطقی بودن قابل توجه است. چنان که ملاحظه می‌شود، بیشترین نزدیکی این طبقه با واقع بینی و عقل است و پس از آن وجود تقوا، خودکترلی و صبر نیز اهمیت اساسی دارد. کلیه این مقولات در دیدگاه الیس و درمان عقلانی - عاطفی او به گونه ای مطرح شده است. هرچند که در تعاریف این مقولات بین نظریه پردازان اسلامی و روان‌شناسانی چون الیس اختلاف نظر وجود دارد، اما همپوشی معنادار این طبقات اندازه گیری نگاه مشترکی است که در نظریات اسلامی و روان‌شناسی یک هدف را دنبال می‌کند؛ بنابراین، منطقی بودن اگرچه در اولویت اهداف در ردیف انتهایی جدول قرار گرفت اما از نظر درجه همبستگی و گستردگی آن با سایر طبقات مورد نظر امام، پس از علاقه اجتماعی در ردیف دوم واقع شد و چنانچه درصد همپوشی آن با واقع بینی و عقل را در کنار هم قرار دهیم، همبستگی بیش از ۰/۵۰ را خواهیم داشت که اهمیت این طبقه را در دیدگاه امام و قرابت این دو را در دیدگاه روان‌شناسی و اسلام نشان می‌دهد. اگرچه به دلیل معنادار نبودن ضریب اعتبار این طبقه نتایج با احتیاط تفسیر می‌شود و پژوهشی ویژه و مستقل را در زمینه عقل و منطقی بودن در دیدگاه امام علی(ع) و آلبرت الیس طلب می‌نماید.

طبقه ذکر و انتخاب آزادانه هیچ‌گونه ارتباطی را با طبقات روان‌شناختی نشان ندادند و این به معنای معرفی دو هدف تغییر جدید و دارای اولویت به مجموع اهداف تغییر انسان در دیدگاه امام علی(ع) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش توانست مجموعه‌ای ۲۲گانه از اهداف تغییر موجود در روان‌شناسی تجربی و سخنان امام علی(ع) را معرفی نماید و ضمن مقایسه و بررسی روابط بین این طبقات به استخراج تفاوت‌ها و تشابه‌های این دو دیدگاه نسبت به اهداف تغییر انسان بپردازد. درنهایت، نتایج نشان داد که اهداف تغییر موجود در نظریات روان‌درمانی عقلانی - عاطفی

(آلبرت ایس)، فردمدار (راجرز)، واقعیت‌درمانی (گلسر) با توجه به اهمیت مسئولیت‌پذیری در اهداف امام، معنادرمانی (فرانکل) با توجه به اهمیت بحث غایت در اهداف امام و روان‌شناسی فردنگر (آدلر)، بیش از سایر نظریه‌ها به اهداف تغییر موجود در سخنان امام نزدیک است. در این میان دیدگاه آدلر به دلیل مباحث اجتماعی و نیز همبستگی بالا با طبقه تعاون و حاکمیت بحث اجتماع در سراسر دیدگاه امام و نیز تأکید بر غایت و اصلاح فردی بیش از سایرین و سپس دیدگاه عقلانی - عاطفی ایس با توجه به تأکید امام بر عنصر عقل به عنوان مهم‌ترین عامل و سپس دیدگاه راجرز و مبحث خودشکوفایی آن قرار دارد.

به همین صورت، نگاه امام به تغییرات، فردمدارانه و حاکی از توجه بیشتر امام به تغییرات و اصلاح فردی؛ با هدف دستیابی به خانواده و اجتماعی سالم و ایده‌آل است. در اینجا به نظر می‌رسد تأکید امام برای اصلاح مشکلات اجتماعی و معضلات فردی؛ پیشگیری به جای درمان و هوشیارسازی انسان‌ها نسبت به وظایف درونی و فردی است تا از این روزنه مهم سایر مسائل فردی و اجتماعی پیش از آنکه به بیماری بالغ بدل شود، تولد پیدا نکرده باشد.

نتایج نشان می‌دهد که همگی اهداف روان‌شناسی تجربی، مورد توجه امام نیز قرار دارد و به‌واقع، اسلام بر این اهداف تأکید داشته است و در مواقعی چون تأکید بر اهمیت عقلانیت و نیز روابط اجتماعی و غایت‌نگری همپوشی ویژه نشان می‌دهد؛ هرچند در تمامی این طبقات، دیدگاه امام گستره‌ای عمیق‌تر و وسیع‌تر را در نظر می‌گیرد و تأکید بر یک مقوله، او را از مقولات دیگر باز نداشته است. در عین حال، امام علی (ع) آدمی را به‌طور مداوم نیازمند به پیوند با منشأ الهی می‌داند که در مقوله ذکر متبلور شد؛ چیزی که در پیوند با هیچ‌یک از طبقات روان‌شناختی دیده نمی‌شود و به همراه انتخاب آزادانه به عنوان طبقات جدیدی از اهداف تغییر رفتاری و روانی انسان معرفی شدند. از سوی دیگر، در تعریف برخی از مفاهیم مشترک بین روان‌شناسی و سخنان امام تفاوت‌های قابل توجهی وجود داشت که به عنوان نمونه می‌توان آن را در تعریف غایت‌نگری و هدفمندی، و یا خودشکوفایی و خودکنترلی (که در سخنان امام به صورت صبر و خشیت نیز آمد) ملاحظه کرد؛ طبقات روان‌شناختی کاهش تنش و تنظیم روابط بین اعضا از جمله طبقاتی است که به نظر می‌رسد در تعریف امام متفاوت است و گستره بسیار محدود همبستگی آنها با سایر طبقات نیز از همین رو است. تفاوت دیگر بین این دو دیدگاه در اهداف تغییر، آن است که هرچند اغلب مقولات در هر دو سو مورد توجه بود اما اولویت و تأکید بر آنها متفاوت می‌نمود و این مسئله‌ای مهم است؛ به این معنا که مفاهیمی که در نظریات روان‌شناسی به عنوان اهداف تغییر فرعی مورد توجه بود، بعضاً در دیدگاه امام یک هدف اصلی محسوب می‌شد و یا بالعکس.

درنهایت، همه اینها حکایت از وجود افقی متفاوت در دیدگاه امام نسبت به انسان دارد که در عین دارا بودن نگاه روان‌شناسی تجربی، بُعدی تازه را به آن می‌افزاید؛ که در مقولاتی چون غایت‌نگری و آخرت‌گرایی، خشیت و فضایل اخلاقی که با تأکید نیز مطرح می‌شوند، خود را متبلور می‌سازد و آن همان بُعد غیر مادی مغفول‌مانده رفتار و روان انسان است؛ این یعنی توجه همزمان به ابعاد مادی و غیر مادی و دیدی کلی‌تر و والاتر نسبت به انسان که می‌توان آن را به عنوان همان نقاط ناپیوسته مقولات دینی و روان‌شناسی معرفی کرد و هر یک پژوهش متمایز را می‌طلبد تا به عنوان مثال، بتوان تفاوت عقلانیت به اضافه بُعد غیر مادی در سخنان امام علی(ع) و عقلانیت بدون آن و نیز همین تعریف در باب غایت‌نگری و سایر طبقات را سنجیده و استخراج کرد و نیز بررسی طبقات جدید ذکر و انتخاب آزادانه در تحقیقات آتی لازم به نظر می‌رسد تا بتوان به گونه‌ای عمیق‌تر و با جزئیات بیشتر ابعاد پیدا و پنهان این پیوندها را آشکار نمود. و نیز گستردگی منابع دینی و به‌ویژه سخنان امام علی(ع) ما را مجبور به برگزیدن جرحه‌ای از این دریای نورانی نماید.

منابع

- آدلر، آلفرد (۱۳۷۹)، شناخت طبیعت انسان، ترجمه طاهره جواهرزاده، چ ۱، تهران: رشد.
- آکوچکیان، شهلا (۱۳۸۱)، «مقایسه اجمالی نگرش اسلام نسبت به انسان با رویکرد شناختی»، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۳۱، ص ۷۱-۸۱.
- الیس، آلبرت و کاترین مک لارن (۲۰۰۵)، رفتاردرمانی عقلانی - هیجانی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- باقری، فریبرز (۱۳۹۱)، نقش مفهوم غایت‌مندی در تعیین ملاک ناپهنجاری در روان‌شناسی مبتنی بر نگرش ماده‌گرایی و بر مبنای رویکرد اسلامی به انسان و هستی، در حال چاپ.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۷۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی‌زاده، چ ۱، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- برک، لورا (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ج ۱، چ ۱۴، تهران: ارسباران.
- برینگ، ادوین. جی (۱۳۷۴)، تاریخ علم روان‌شناسی، ترجمه سعید شاملو، ج ۱، چ ۱، تهران: رشد.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، الگوی انسان کامل با رویکردی روان‌شناختی، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- بونژه، ماریو و روبین آردیلا (۱۹۸۷)، فلسفه روان‌شناسی و نقد آن، ترجمه محمدجواد زارعان و همکاران، چ ۱، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهنر، جرد و میکائیل وانک (۱۳۸۴)، نگرش‌ها و تغییر آن، ترجمه علی مهداد، چ ۱، تهران: نشر جنگل.
- پروچسکا، جیمز او و جان. سی. نورکراس (۱۹۹۹)، نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۵، تهران: رشد.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، چ ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راجرز، کارل (۱۹۶۱)، هنر انسان شدن، ترجمه مهین میلانی، چ ۱، تهران: فاخره.
- سالاری فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، چ ۲، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

- سید رضی (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، چ ۵، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- شارف، ریچارد اس (۱۳۸۱)، نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ ۱، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله‌مراتب نیازهای مازلو»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۱، ش ۱، ص ۸۷-۱۱۶.
- _____ (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روان در نهج البلاغه با تأکید بر کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی و کارکرد حکومت»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۴، ش ۶، ص ۱۰۳-۱۲۱.
- _____ (۱۳۸۹)، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شولتز، دوان (۱۹۹۰)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقش‌بندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمدرضا نیکخو، چ ۴، تهران: ارسباران.
- شولتز، دوان. پی و سیدنی الن شولتز (۱۹۹۶)، تاریخ روان‌شناسی نوین، ترجمه علی‌اکبر سیف، حسن پاشاشریفی، خدیجه علی‌آبادی، جعفر نجفی‌زند، چ ۹، تهران: دوران.
- فقیهی، علی و فاطمه رفیعی‌مقدم (۱۳۸۷)، «انسان از دیدگاه راجرز و مقایسه آن با دیدگاه اسلامی»، دو فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، س ۲، ش ۳، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- کاشانی صفار، عبدالحمید (۱۳۷۹)، مقایسه انسان کامل از دیدگاه امام علی (ع) و کارل راجرز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گلسر، ویلیام (۲۰۰۸)، «واقعیت درمانی جدید»، مجله اصلاح و تربیت، ترجمه حسین کاشانی، س ۷، ش ۷۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، شرکت نرم افزاری نور.
- موسوی، آرش (۱۳۸۸)، درآمدی بر روان‌شناسی علم، چ ۱، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نیکولز، مایکل پی و ریچارد سی شوارتز (۱۳۸۷)، خانواده درمانی مفاهیم و روش‌ها، ترجمه محسن دهقانی و همکاران، چ ۱، تهران: دانژه.

هرگنهان، بی. آر (۲۰۰۹)، تاریخ روان‌شناسی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ویراست ششم،
چ ۱، تهران: ارسباران.

Adler, A. (1930), *The Education of Children*, Gateway editions Indiana.

Hillman, M. & Victor E. Franks, (2004), *Existential Analysis and Logotherapy*,
Handbook of Motivational Counseling, W. Miles Cox & Eric Klinger(eds.), John
wiley & Sons, Ltd.

Kerliner, F. N. (1986), *Foundations of Behavioral Research* (3rd ed), New York:
Holt, Rinehart and Winston.

Lee, Eunmi; Anna Zahn & Klaus Baumann (2011), "Religion in Psychiatry and
Psychotherapy?", *A Pilot Study: The Meaning of Religiosity/Spirituality from
Staff's Perspective in Psychiatry and Psychotherapy*, [www.mdpi.com/
journal/religions](http://www.mdpi.com/journal/religions).

Miller, P. H. (1999), *Theories of Developmental Psychology*, (3rd ed.), W. H.
Freeman and Company.